



عبدالواحد غفاری

قانون و قانونیت طی صد سال اخیر در افغانستان

1287 هجری شمسی الی امروز

مقدمه :

افغانستان کشور چندین ملیتی، با زبانهای مختلف، سنن، کلتور و عنعنات متفاوت، غنائی کلتوری چندین هزار ساله دارد. و حقوق تعاملی در کشور ما با تعهد و اعتقادات مردم این سرزمین کهن آمیخته میباشد، لذا حقوق تعاملی نقش مهم در طرح و رعایت قانون در کشور ما دارد.

کشور ما شاهد حکومت متعدد بوده، که گاهی در جهت منافع مردم و گاهی در جهت منافع اقلیت محدود مردم، و پیاده کننده گان اهداف سایر دول در میهن ما بوده، عمل کردند.

نکته مهم دیگر اینکه دین اسلام به کشور ما همراه با احکام اسلامی، اکثر ائمنه و کلتور جامعه عرب را انتقال داد. متأسفانه با کلتور، عنعنه شهری و فرهنگ قبیلوی چندین هزار ساله کشور ما در تقابل واقع گردیده

، و اثراتی بر حقوق تعاملی کشورما داشته و دارد. و برعکس در بعضی از نقاط کشورما حقوق تعاملی را بر بعضی از احکام فقهی ارجحیت میدهند. چون اهالی آن مناطق بیشتر با اتکا بر عرف و تعامل، زنده گی روزمره خویش را پیش میبرند. لذا تطبیق قانون در کشورما دارای نشیب و فراز بوده و میباشد. بخصوص نفوذ روحانیون در دستگاه حکومت اثرات جانبی بر سیستم حقوقی، قوانین و تحقق قانون در کشورما داشته و دارد. اکثر آنان بدون درک مفهوم دین اسلام، شرایط زمان و مکان میخواهند تا (چهارده قرن) پیش، یا همان دوره تحجر و استبداد را بشکل گسترده در همه امور کشور و مناسبات روزمره مردم بشکل اعتقادی شامل، کلتور و عنعنه مردم سازند. به عباره دیگر دین و مذهب را جز دستگاه حکومت بخصوص حکومت موناشرسی (سلطنتی) بشکل استبدادی نموده، و آن را وسیله ابزار جبر و فشار بر مردم استعمال نمودند. خلاصه حقوق تعاملی خالص جامعه افغانی را مختلط نمودند و با ورود مذاهب و فرقه های وهابی، طالبی، داعشی و... ضربات دیگری بر مناسبات و حقوق مردم کشورما وارد نموده و مینمایند.

در طرح قانون مدنی فعلی کشورما، حقوق تعاملی جامعه افغانی کمتر در نظر گرفته شده، با تذکر اینکه عرف و سنن در کشورما متنوع میباشد، در مناطق مختلف، بین اقوام و ملیت های، مناسبات و آداب متذکره از نظر منطقوی، قومی و ملیتی تفاوت دارد، حتی در یک قوم و ملیت متفاوت است، به همین شکل عقاید و اندیشه های مذهبی هم سبب گردیده تا بر عنعنه، رسوم و مناسبات مردم در مناطق مختلف کشور حاکم و اثر گذار باشد.

دولتها جهت ایجاد نظم و تداوم مناسبات مردم اقدام به طرح و تصویب قوانین مینمایند، هرگاه در قوانین، حقوق تعاملی در نظر گرفته شود، اثرات مثبت بر نظام خواهد داشت.

طی صدسال اخیر در کشورما حکومت متعدد، با شیوه های مختلف عمل نمودند که عملکرد شان، نظریه خصلت و ماهیت نظام، رهبران و دولت مردان متفاوت بود. چون اکثر رژیمها در جهت منافع خود و یا وابستگان شان عمل نمودند، هرگاه قوانین و پرنسیپهای حقوقی که بیانگر منافع اکثریت جامعه میباشد، صرف در روی کاغذ باقی میماند. علاوه تا اکثر زمامداران از دین، مذهب، قوم، لسان و سایر امراضیکه جوامع عقب نگه داشته شده به آن مصاب میباشد، در جهت منافع شخصی و ادامه قدرت استفاده نموده اند، حتی اقدام به کشتارهای دستجعی، کله مناره ها، زنده بگور کردنها، نسل کشی، و انواع مظالم دیگر نمودند.

تاریخ و طنما شاهد محدود زمامداران میباشد، که در جهت خیر و صلاح مردم خدمت نمودند. مطلب دیگر اینکه موقعیت جغرافیائی و سوق الجیشی کشورما چنان است تا تحت تجاوزات کشورهای متجاوز قرار گیرد. و ابر قدرت ها جهت حصول و حفظ منافع شان به همکاری افغانان فروخته شده، با دامن زدن به اختلافات (لسانی، قومی، منطقوی و.. بخصوص مذهبی)، زمینه تجاوز آنان را بوجود آوردند. که باعث قتل

و کشتار، ویرانی و جنایات متعدد گردیده و می‌گردد. لذا سلسله عدم رعایت قانون و تجاوز به حقوق هموطنان عزیز ما، شکل صعودی و نزولی داشته است.

تطبیق قانون را در دوره زمامداران مختلف مورد بررسی قرار می‌دهم .

جهت روشنی موضوع، بهتر دانستم تا از بعضی اصطلاحات حقوق تعاریف داشته باشم.

- **حق یا حقوق** : دانشمندان تعاریف متعدد در زمینه ارائه کرده اند.

حق عبارت از امتیازی است که شخص در جامعه دارا می‌باشد. داکتر ناصر کارتوزیان می‌گوید که حقوق جمع حق عبارت از مجموعه قواعد الزام آور و کلی است که بمنظور ایجاد نظم و استقرار عدالت به زنده گی اجتماعی انسان، حکومت می‌کند. و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود. تعاریف دیگر را می‌توان بیان داشت (حقوق بمعنی جمع حق یعنی راستیها). **حقوق** یا حق عبارت از امتیاز و قدرتی است که فرد در مقابل دیگران در زندگی اجتماعی دارد. و از آن می‌تواند استفاده کند. مثلاً آزادی بیان، حق مالکیت، حق رای. و یا **حقوق** عبارت از مجموع قواعد الزامی حاکم بر روابط افراد جامعه می‌باشد. در جای دیگر چنین تعریف شده :

حقوق عبارت از روابط انسانی است که جهت زندگی نمودن در اجتماع تنظیم می‌گردد. و این

روابط را بر اساس نیازهای که هست، برقرار می‌کند. پس این نیازها، پدیده های طبیعی و واقعی هستند. شناسائی نیازها و روابط ناشی از آنها در زندگی اجتماعی علم حقوق را تشکیل می‌دهد.

فقه :- در لغت بمعنی فهمیدن و درک کردن می‌باشد. فقه اسلامی قوانین و احکام الهی را گویند.

شریعت : از نظر لغوی بمعنی مکانی که از آنجا آب مینوشند. و هم بمعنی راه راست می‌باشد. شریعت از نظر دینی عبارت از آنچه خداوند برای مردم تشریح می‌کند. خواه مربوط به عقاید، اخلاق، عبادات و یا معاملات باشد. و از نظر حقوقدانان عبارت از احکامی عملی دین می‌باشد.

جرم : دورگیم جامعه شناس فرانسوی می‌گوید: جرم عبارت از هر عملی که قابل مجازات باشد. و یا هر فعل یا ترک فعلی که نظم و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون برای آن مجازات تعیین کرده باشد.

قانون :- از نظر لغوی به معنی رسم، قاعده، روش و یا آئین می‌باشد. و از نظر حقوقی عبارت از مجموع قواعد الزام آور که توسط مقامات صلاحیتدار وضع می‌گردد.

قانون اساسی:- عبارت از مجموع قوانین و مقرراتی میباشد که ماهیت دولت ، حکومت ، سازمانهای حکومت، حقوق ملت و روابط حقوقی ملت را با سازمان حکومت بیان میدارد. چون قانون از طرف طبقه حاکم وضع میگردد. بصورت عموم از منافع همان طبقه حمایت مینماید. شکل و نحوه تطبیق آن نظریه نوعیت رژیم فرق مینماید. در رژیمهای مطلقه که حاکمیت فردی میباشد، قانون اساسی یک هدیه و یا تحفه است که از طرف دیکتاتور، یا پادشاه به ملت اهداء میشود. چنین قانون ارزش حقوقی ندارد زیرا مشروعیت آن بستگی به شاه دارد.

قانونیت: عبارت از تطبیق یکسان قانون بدون هیچ نوع امتیاز و یا تبعیض بالای همه افراد جامعه میباشد.

حکومت قانون: عبارت از رژیم میباشد که اجراتش جهت رفاء عامه طبق قانون بوده و در جامعه قانون را تطبیق کند.

کشور ماطی صد سال اخیر شاهد حوادث و قضایای خیلی مهم بوده که در سایر کشورها نظیر آن بملاحظه نرسیده. تسلط انگلیس (دوران حبیب اللد خان) گرفتن استقلال (دوران امان اللد خان) توطئه انگلیس و سقوط رژیم امان اللد خان (دوران حبیب اللد کلکانی) و تعویض مهره جدید انگلیس (دوران نادر شاه) مرحله بحرانیهای جنگ دوم جهانی و دورهء

جنگ سرد (سلطنت محمد ظاهر) سقوط نظام شاهی بعد از چندین قرن ، بوجود آمدن اولین نظام جمهوری (دوران جمهوریت محمد داود). حادثه 7 ثور 1357 که آغاز مداخلات مستقیم بلاک شرق و غرب بشمول دول همسایه ما بخصوص پاکستان و ایران و دول عربی (دوران نور محمد تره کی و حفیظ اللد امین). دوران تجاوزات اتحاد شوروی به افغانستان، مرحله جنگ غیر مستقیم امریکا ، دول غربی و متحدین شان با اتحاد شوروی. (حکومت ببرک کارمل و دوکتور نجیب اللد میباشد). بقدرت رسیدن مجاهدین که مرحله خانه جنگی تخریب و تاراج وطن ما یاد میگردد (حکومات صبغت اللد مجددی، برهان الدین ربانی و احمد شاه مسعود) دوران قدرت متعصبین مذهبی ، یکتازی پاکستان و گروه القاعده در افغانستان (دوران طالبان برهبری ملا محمد عمر و بن الادن) و مرحله تغیر سیاست امریکا، یا تجاوز امریکا و سایر هم پیمانانش (حکومت حامد کرزی) ، مرحله غصب قدرت و تجاوز به حقوق مردم به اثر جعل و تقلب (حکومت وحدت ملی) میباشد.

نهضت قانون و قانونگذاری جهت ایجاد نظم و قانونیت در کشور ما، با الهام از انقلاب کبیر فرانسه، اعلامیه جهانی حقوق بشر، ریفورمهای مشروطه خواهی در کشورهای ایران، سوریه، ترکیه و بعضی کشورهای دیگر بوجود آمد. بخصوص پروگرامهای اصلاحی سیدجمال الدین افغان و امیر شیرعلی خان که در جهت تدوین و تصویب قوانین در آن زمان و نقش سیدنورمحمد شاه صدراعظم وقت یاد کرد (سالهای 1862 الی 1878) ولی تعرض نظامی انگلیس تهداب اصلاحات را که به خاطر اعمار جامعه نظم و قانون گذاشته شده بود از بین برد.

محمود طرزی در مقاله زیر عنوان (امن و آسایش)، نیم چهره از وضع نظام دولتی دوران عبدالرحمن خان را توضیح نموده، و میرغلام محمد غبار آنرا در اثر خود تحت عنوان افغانستان در مسیر تاریخ مینویسد: (هیچ کس برجان، برمال و برملک خود هیچ امنیتی و اعتمادی نداشت، روزی نبود که قتلها اعدامهای رقم رقم با عقوبت و عذابهای گوناگون و نهیب و تاراج های از حد افزون بوقوع نمی آید. ضبط املاک، مصادره اموال، فراری ساختن باعیال و اطفال از وقایع دایما الاجرائی بود....)

با ذکر تبصره مختصر فوق، طور فشرده نظر دوره های فوق الذکر را نظر اندازی مینمایم.

ادامه دارد

با احترام عبدالواسع غفاری